

نقد و بررسی روش تفسیر علمی قرآن

قاسم پورحسن

دکترای فلسفه و کلام، معاون آموزشی دانشکده علوم قرآنی تهران

چکیده: هر پژوهشگری در حوزه تفسیر و دانش قرآنی بر کثرت روشها و مناهج تفسیری واقف است. برخی مطالعات صورت گرفته بدرستی به تبیین و توصیف روشهای خوانش متون و حیاتی پرداخته و ضمن آن تفاوت و شیوهها را نیز مورد تنوع قرار داده‌اند. نقد روشهای تفسیری پیشینه دیرینه‌ای دارد. هر منهج تفسیری کوشیده تا در گام نخست رنجوریهای روش گذشته را نقد و رد نموده و زمینه‌ها را برای پذیرش منهج پیشنهادی هموار سازد. روشهای تفسیری تابعی از سه سبب بنیادین بودند. سبب نخست، گذار و فرایند تاریخی است. هر مکتبی در پی آشکار شدن رنجوری روش پیشین، ناکامی در فهم راستین متن، و رویگردانی جامعه از آن، تکوین می‌یافت. پدیداری منهج معتزلی در پی روش اشاعره، طلوع روش عقلی پس از ظاهر گرایی، نمایان شدن مکتب فیلسوفان بدنبال حدیثیون و کلامیون، حقیقت مورد دعوی را آشکار می‌سازد. سبب دوم رهیافت فکری است. مسلم تاریخی این واقعیت را روشن می‌سازد که فرآیند تاریخی بنحو شگفت‌انگیزی با رویکرد اندیشه‌ای در تلازم افتاد. رهیافت اهل حدیث، طرد تدبر و تعطیلی عقل بود اما رهیافت معتزله، کار بست خرد انسانی در فهم متن آسمانی است^(۱) و فیلسوفان و طبیعیون و در فرجام پیروان تفسیر علمی قرآن خرد درون دینی معتزله را ضعیف و حتی نابسند تلقی و رهیافت‌های جدیدی را در تفسیر پایه گذاری کردند. سبب سوم گذار تدریجی از افق درون دین به بیرون دین می‌باشد. در تعبیری دیگر مفسران بتدریج از فضا و دوران استماع و تسلیم^(۲) و جذب و انجذاب آیات قدسی به سوی عقل دینی عبور کرده و سپس از عقل و تدبر مورد توحید دین به عقل فلسفی، عقل طبیعی و سرانجام به عقل جمعی علوم گذار نمودند. بررسی روشمند این سه سبب می‌تواند بنیانهای روشهای تفسیری و خاصه روش تفسیر علمی قرآن را بازنمون سازد.

کلید واژه‌ها: قرآن، تفسیر، روش‌های تفسیری، تفسیر علمی قرآن، نقدها.

مقدمه

تفسیر علمی قرآن، روش متأخر و نو در فهم آیات قدسی تلقی می‌شود. گرچه برخی در مطالعه پیشینه این منهج تفسیری، سده چهارم را ابتدای شکل‌گیری آن بر می‌شمارند اما علامه طباطبایی آنرا مربوط به دوره جدید و متأخر می‌داند^(۳). برخی از محققان تفسیر فلسفی را با تفسیر علمی و برخی دیگر تفسیر طبیعی را با تفسیر علمی همسان پنداشته و در تبیین عناصر آن سه، راه خطا پیموده‌اند. نکته مهم آنست که علامه طباطبایی روش فلسفی، طبیعی و علمی را از هم متمایز ساخته و هر کدام را مربوط به دوره‌ای خاص و البته مترتب بر یکدیگر قلمداد می‌کند.

الجواهر فی تفسیر القرآن مرحوم طنطاوی بی تردید نخستین اثر تفسیری مستقل (اما قابل پرسش) در تفسیر علمی است. وی در مقدمه تفسیر با آگاهی از رشد و گسترش علوم و بویژه علوم تجربی و حسی بر ضرورت و اهمیت تفسیر علمی تأکید ورزیده و بر این باور است که هیچ روش دیگر تفسیری نمی‌تواند در دوره حاضر اعجاز و ماندگاری قرآن و آیات آن را آشکار سازد^(۴).

روش تفسیر علمی قرآن موافقت‌ها و مخالفت‌هایی را برانگیخت. وسعت و سهم مخالفت‌ها به مراتب گسترده‌تر بود. بازخوانی ادله موافقین و مخالفین بخشی از یک تحقیق انتقادی است. توجه موافقین تفسیر علمی به درون متون قدسی دانشهای درون دینی بر تحکیم پایه‌های این شیوه، امری مورد تأمل است. استدلال و استناد به آیات سوره انعام^(۵)،^(۶)، سوره نحل^(۷) و سوره شعرا^(۸) در پیرامون تفسیر علمی قرآن اساس ارائه دلایل قرآنی بر رهیافت اثباتی این روش تفسیری است. نکته شگفت آن است که علامه طباطبایی در نقد روشهای تفسیری از جمله منهج علمی و تحکیم روش تفسیر قرآن به قرآن نیز از سوره انعام و نحل بهره می‌برد. به‌هرروی در این مقاله در صدد بررسی چند پرسش بنیادین در موضوع تفسیر علمی قرآن هستیم.

تفسیر علمی قرآن چیست؟ علیرغم قطعی بودن آیات مشته بر قلمرو علم و حتی

تبیین علمی خلقت، آیا قرآن حاوی نظریه‌های علمی است و یا در صدد ارائه رهیافت علمی و تبیین علوم است؟ اسباب شکل‌گیری تفسیر علمی کدامست؟ و نهایتاً قلمرو تفسیر علمی چه بوده و آسیب‌ها، رنجوریها و نقدهای وارد بر آن چه می‌باشد؟

فقه اللغة

عدم تبیین مفهوم تفسیر علمی، سبب گردید تا برخی این روش را در زمره شیوه‌های تفسیری دوره جدید^(۹) دانسته و برخی دیگر سابقه‌ای بس طولانی برای آن قائل شده و بر این باور رفته‌اند که بسیاری از علمای سلف و حتی برخی از اصحاب رسول اکرم صلی الله علیه و آله، اقدام به تفسیر علمی نمودند^(۱۰).

فقدان تعریف صحیح از تفسیر علمی قرآن نه تنها مناقشات تاریخی را مؤدی شده است، بلکه موجب دشواری در تعیین چهارچوب و گستره این نوع از تفسیر، مبانی و اصول آن، تمایز تفسیر علمی از تفاسیر فلسفی و طبیعی، اسباب شکل‌گیری تفسیر علمی و نظایر آن گردید. از این رو شایسته است پیش از بررسی کتب، آراء و اندیشه‌های تفسیر علمی، مطالعه‌ای فقه اللغتی و در اصطلاح، فیلولوژی **philology** که علم زبان و دانش شناخت لغت است، صورت پذیرد. ابتدا چند تعریف علمی عرضه شده و پس از مقایسه آنها، تعریف مورد نظر پیشنهاد گردیده و بر آن اساس بنیادهای تفسیر علمی بررسی خواهد شد

تعریف نخست از تفسیر علمی، مبتنی بر تقسیمات قدما از علوم است. برخی از مفسران معتقد بودند علاوه بر مسائل خداشناسی، آیاتی در قرآن وجود دارد که حکایت از علوم ریاضی و طبیعی دارد. در این تعریف علم در مفهوم مطلق آن و در مقابل علم اعلی و شامل علم وسطی و علمی ادنی بکار رفته است. ابو حامد غزالی در کتاب «جواهر القرآن» در تقسیم علوم به علوم ظواهر و علم اللباب، معتقد است سرچشمه تمام علوم ربوبی و غیر ربوبی قرآن بوده و خداوند در آیاتش اشارات بسیاری به علوم مختلف بشری از حقیقت حرکت خورشید و ماه، ترکیب آسمانها و زمین و حتی علم

ریاضی و علم طب دارد که بزعم غزالی این علوم خود علوم مستقلی هستند^(۱۱).

این تعریف از تفسیر علمی قرآن به زعم نگارنده، نظریه مسلط از نیمه دوم سده سوم هجری قمری تا اوایل سده چهاردهم بشمار می آید.

تعریف دوم از صد و پنجاه سال گذشته آغاز و تاکنون ادامه دارد اما این دوره به دو رهیافت کاملاً متفاوت (انطباق و استقلال) تقسیم می شود. رهیافت نخست تحت تأثیر هجوم شتابان ظهور علم و بطلان نظریات پیشین بخصوص فرو ریزی فلکیات قدیم شکل گرفت که رویکردی انفعالی و صرفاً جهت اثبات سازگاری دین اسلام با علم بوجود آمد اما رویکرد بالاستقلال که مربوط به دوره متأخر و حال حاضر است در صدد اثبات نظریه های علمی در حوزه فیزیک خاصه و سایر علوم بالعرض می باشد.

پیروان رهیافت نخست اندیشمندان دوره اول متجددان دینی مصر هستند که برخی دیگر از سایر علماء اسلامی با آنها همراه شدند. شیخ طنطاوی بن جوهری المصری، محمد عبدالنعیم الجمال، محمد بن احمد اسکندرانی^(۱۲) و احياناً عبد الرحمن کواکبی^(۱۳) و شیخ محمد عبده^(۱۴) و بطور قطع سید احمد خان هندی و سید امیر علی^(۱۵) از مهمترین آنان بشمار می آیند. رهیافت دوم بیشتر در ایران پایه گذاری شد که تفسیر پرتوی از قرآن مرحوم طالقانی، تفسیر نوین مرحوم محمد تقی شریعتی، کتب باد و باران در قرآن، راه طی شده و مطهرات در اسلام مرحوم مهدی بازرگان نمونه های بارز آن هستند. تعریف ارائه شده از رهیافت نخست با رهیافت دوم از تفسیر علمی قرآن متفاوت است.

در رهیافت نخست، شیفتگی به علم جدید و حتی ارباب از نفوذ و گسترش آن به چشم می خورد از این رو تعریفی تطبیقی از تفسیر علمی به دست داده و معتقدند که قرآن بدون علم جدید تفسیر نمی شود^(۱۶). نکته مهمتر در این تعریف آن است که طبق آن، هر قانون و نظریه علمی خواه قطعی یا غیر قطعی و هر اکتشاف نو به قرآن نسبت داده شده که با نقض آن نظریه، تعریف دچار رنجوری شده و تنقص می یابد.

در رهیافت دوم، تعریف تفسیر علمی بر بیان رموز و اشارات علمی قرآن استوار

است. بدین معنی که قرآن درصدد نظریه‌پردازی، تبیین روشهای علمی، تأسیس قواعد و قوانین علمی نیست (برخلاف رهیافت نخست که بدان باور دارد)، بلکه قرآن نکات کلیدی عبرت‌آموز و اشاره‌های علمی از اسرار طبیعت^(۱۷) و نه الزاماً اکتشافات علمی جدید، را بیان می‌دارد که این رموز و نکات قصد اولیه و اساسی نبوده بلکه صرفاً جهت تنبّه، هشدار و اتعاظ و وقوف بر عظمت آفرینش و مبدأ جهان ذکر شده است.

تعریف رهیافت نخست بر تطبیق آیات قرآن با علوم جدید بنا شده که می‌تواند سلطه علوم را بر آیات به همراه داشته و سبب انحراف تفسیر از آیات گردد که علامه طباطبایی نیز در مقدمه المیزان بر آن اشاره کرده و نام این روش را تفسیر نمی‌داند.

تعریف رهیافت دوم بر استخراج علوم از آیات و در نگاهی ژرفتر و ظریفتر بر استخدام علوم بر فهم آیات تأکید می‌ورزد. به همین سبب برخی از مفسران با این تعریف موافق بوده و آنرا ملائم با روش صحیح تفسیری می‌دانند. و نمونه ذیل در تمایز دو رهیافت قابل مطالعه است.

سید قطب در اثر خود «تفسیر فی ظلال القرآن» می‌نویسد چون مسائل علمی و علوم جدید دچار دگرگونی و نسبیّت هستند لذا نمی‌توانیم این آراء تغییرپذیر را بر حقایق ابدی و مطلق قرآنی تحمیل نماییم. اما می‌توان از علوم جدید و اکتشافات علمی برای دریافت و فهم بهتر قرآن بهره جست و معانی و دلالت‌های آیات قرآن را گسترش بخشید^(۱۸).

رشید رضا در مقدمه تفسیر المنار انتقاد تندی از تفسیر علمی کرده و معتقد است که یکی از نگرانی‌های مهم این است که در کتب تفسیر، مطالبی وارد شده که مسلمانان را از هدایت قرآن و مقاصد عالی آن، دور می‌سازد. او تأکید می‌ورزد که برخی از معاصرین به پیروی از متقدمینی همچون فخر رازی، مطالب نامرتبط همچون علوم ریاضی، طبیعی، نجوم و فلکیات یونانی وارد تفسیر کرده و معاصرین به بهانه واژگانی مانند آسمان، زمین و گیاهان، علوم و فنون جدید را در تفسیر اضافه نموده و نام آنرا تفسیر نهاده‌اند اما این روش تفسیری بزعم رشید رضا مانع از فهم مدالیل و مقاصد گوهری آیات قرآن می‌شود^(۱۹).

رهیافت‌های علمی و آیات قرآن

به عنوان یک پیش فرض می‌پذیریم که تمامی شیوه‌های تفسیر قرآن که در حوزه تفسیر در درون تمدن اسلامی شکل گرفت، بر بنیاد باور به اعجاز و ماندگاری قرآن و حسب اصل «فهم درست و دریافت یگانه» از آیات استوار بود. گرچه بسیاری از این روشهای تفسیری از ظوابط و اصول تفسیر خارج شده و به باور علامه طباطبایی نمی‌توان این رویافت را تفسیر نام نهاد بلکه اکثر و یا تمام شیوه‌های پیشین راه «تطبیق» را درپیش گرفتند^(۲۰). تفسیر علمی را نیز باید از همین منظر مورد بررسی و پژوهش قرار داد. پیروان تفسیر علمی بر این عقیده رفتند که حوزه علمی و آیات مربوط به حقایق علمی یکی از ابعاد و وجوه اعجاز قرآن و بلکه مهمترین بعد اعجاز آن است. قائلان به این روش تفسیری تأکید دارند که پیشتر علم و اکتشافات علمی به تمام آیات الهی، وجود داشته و خداوند از علوم و اسرار خلقت و رموز دانش بعنوان دلیلی بر ماندگاری و اعجاز قرآن یاد کرده است. بنابراین به‌زعم اینان، علم و توجه به دانشهای جدید مهمترین رویکرد در تفسیر قرآن می‌تواند مورد تأمل قرار گیرد. محمد حسین ذهبی صاحب التفسیر و المفسرون بهره بردن از علم در تفسیر آیات جهت نمایاندن اعجاز علمی قرآن را تفسیر علمی می‌نامد^(۲۱).

امروزه اکثر محققان و پژوهشگران، معمولاً سه روش و رویافت را در تفسیر علمی قرآن ذکر می‌کنند، رویافت‌های استخراج علوم، تطبیق علوم بر آیات و استخدام علوم در فهم قرآن. گرچه بنوعی روش استخراج و تطبیق یک نتیجه را مؤدی می‌شوند اما با توجه به توالی تاریخی و ترتیب روشها، هر سه روش پیروانی داشته و گاه در مراحل طولانی زمانی حاکم بر شیوه تفسیری بوده است. بررسی آراء مفسران علمی و منظرهای آنان و نیز اسباب پیدایش هر رویافت علمی بخشی از بررسیهای این پژوهش است.

پیش از بررسی سه رویافت ذکر سه نکته ضروری است.

الف) بزعم نگارنده سه رویافت استخراج، تطبیق و استخدام در سه مرحله تاریخی

شکل گرفتند.

دغدغه نخست بیرون کشیدن علوم از آیات جهت نشان اعجاز علمی بود اما با گذشت زمان و پیدایش مکاتب فکری مبتنی بر علوم بشری و تأسیس نظریه‌های علمی، مفسران اسلامی و در تعبیری عالمان مسلمان با اساس قرار دادن تئوریهای علمی به جستجوی در تفسیر آیات پرداخته و از موضعی منفعلانه به دفاع از علمی بودن آیات و قرآن دست زدند. پژوهاک دو روش، رعایت اعتدال در نسل سوم یا رویکرد سوم تفسیر بود که تنها کوشید در ابتداء مفاهیم علمی موجود در گزاره‌ها و آیات قرآن را تشریح سازند تا بسترهای فهم درست را فراهم سازند.

ب) مسلمانان و اندیشمندان اسلامی سبب اساسی پدیداری دوره زرین علمی اسلامی را تأکید آیات قرآن بر اهمیت علم^(۲۲)، ابزارهای دانش^(۲۳)، ارزش گذاری بر علم و تفکر^(۲۴) و اسرار خلقت آسمانها^(۲۵)، زمین^(۲۶) کیفیت پیدایش انسان^(۲۷) و حیات و مرگ موجودات^(۲۸) دانسته و بیان رموز علوم همچون ریاضی^(۲۹) هیئت^(۳۰) نجوم^(۳۱) هندسه^(۳۲) فیزیک^(۳۳) سایر علوم (طب، پایه، روانشناسی...) ^(۳۴) در قرآن را بنیاد پیدایش علوم در سه سده سوم، چهارم و پنجم اسلامی قلمداد می‌کنند.

ج) در مقایسه با تورات و انجیل، قرآن در سه زمینه، توجه به علم، عقل و تدبیر؛ تبیین اسرار علوم و تشریح حقایق علمی و دانش عرصه‌ای نو محسوب می‌شود.^(۳۵) نه تنها مسلمانان و اندیشمندان اسلامی به تمایز علمی قرآن با عهدین باور داشتند بلکه دیگر متفکران نیز بر آن تصریح کردند^(۳۶). مفسران اسلامی در دوره‌های نخست برای اثبات جامعیت، کامل بودن و حتی حقایق خاتمیت و خود قرآن بر این تفاوت و برتری به تفسیر علمی قرآن روی آوردند.

۱- رهیافت استخراج اعجاز علمی قرآن

نخستین کوشش تفسیر علمی قرآن تنها در قلمرو مفسران و دانش تفسیر شکل نگرفت بلکه ابتداء متکلمان و فیلسوفان و اندیشمندان اسلامی بودند که به فهم آیات علمی یا مرتبط با مطالب علمی پرداخته و بتدریج مفسران در کتب تفسیری از آن بهره بردند. این رهیافت که رویکردهای کلامی، فلسفی و طبیعی و تفسیری را مشتمل بود از

اوایل سده سوم هجری آغاز و تا سده سیزدهم به درازا می‌کشد دیرینه‌ترین و طولانی‌ترین روش تفسیر علمی به شمار می‌آید. توجه صرف به کشف مسائل علمی در آیات؛ بهره بردن از این روش در اثبات و حیاتی بودن قرآن، اثبات مبدأ و معاد، حقانیت آیات و بالاخره جستجوهای علمی در حوزه گوناگون دانش خاصه طب، هیئت و فلکیات جهت پیش بینی ها و گاهی پیش گویی‌ها؛ از ویژگی‌های رهیافت نخست تفسیر علمی است.

البته مسئله برون متنی اعجاز^(۳۷) و نیز جنبه درون متنی اعجاز^(۳۸) تلاش‌های اولیه مفسران اسلامی در تفسیر آیات و به عبارتی آموزه مسلط در رویکردهای تفسیری بود. این آموزه تأثیر بسیار بر رهیافت استخراج در تفسیر علمی قرآن داشت. بدین معنا که توجه به مسئله اعجاز علمی پیش فرض اساسی در تفسیر علمی از همان دوران نخستین به شمار می‌آید. در بررسی دو مکتب تفسیری اهل مکه و اهل کوفه، مکتب کوفه را پیش‌تاز در آغاز به تفسیر علمی دانسته و سبب اصلی را نزدیکی با بغداد و حجم انبوه ترجمه علوم در بیت الحکمه، و تأثیر آن بر فهم مسلمانان و مفسران از آیات تلقی می‌کند. همین تأثیر در رویکرد غزالی در «جواهر القرآن» که به مدت ۹ سال در فاصله سالهای ۴۸۹-۴۸۰ در دوره سلجوقیان در نظامیه بغداد و به عنوان مدرس دینی و نیز فقیه سیاسی شافعی مستقر بود، آشکارا به چشم می‌خورد.

تصور می‌کنم غزالی و فخر رازی را آغازگر رهیافت استخراج علوم از قرآن بدانیم به حقیقت نزدیکتر است تا آنکه ابن مسعود، اهل معتزله همچون نظام، کندی و ابن سینا را متوغلین در این روش یا آغازگران آن بنامیم.

به هر روی از میان تمامی مفسران اسلامی غزالی و فخر رازی را می‌توان مفسران روش استخراج خواند. سایر مفسران همچون صاحب مجمع البیان، یا نویسنده تفسیر درالمنثور و دیگران در صدد استخراج علوم از آیات نبوده بلکه صرفاً در تفسیر واژگان مربوط به آسمان، زمین و موضوعات و مفاهیم علمی، کوشیدند تا معنا و مدلول آنها را تبیین سازند. غزالی در جواهر القرآن ابتدا به تقسیم بندی علوم قرآن به دو دسته علوم

ظواهر و علوم بواطن اقدام کرده و آنگاه تاکید می‌دارد که تمامی علوم (که علم طب، نجوم، هیئت رابه صراحت نام می‌برد) منشأ در ساحل بی کران قرآن دارد. وی آیه ۸۰ سوره شعراء را دلالت بر علم پزشکی، آیه ۵ سوره الرحمن را حکایت از علم نجوم و هیئت تلقی کرده و بر نشأت یافتن همه علوم تجربی بشری از قرآن تصریح می‌کند. اما فخر رازی نه تنها به نحو گسترده به استخراج علوم از آیات قرآن اقدام می‌ورزد بلکه مخالفت با تفسیر علمی را از سر ناآگاهی به آیات و مداریل علمی آن می‌داند. ظاهراً نزد مخالفان تفسیر علمی، فخر رازی بنیانگذار تفسیر علمی شمرده می‌شود و لذا رشید رضا در مقدمه تفسیر المنار می‌نویسد که فخر رازی مطالب دیگری در تفسیر وارد کرده همچون علوم ریاضی، طبیعی و هیئت فلکی یونانی که برخی از مفسران معاصر از این روش تبعیت کرده و علوم تجربی روز را در تفسیر دخالت داده‌اند و در ذیل کلمات آسمان یا زمین، علوم امروز را داخل کرده و نام آنرا تفسیر نهاده‌اند در حالیکه این رهیافت، مانع دریافت معانی اصیل قرآن خواهد شد. (۳۹)

یکی از تفسیرهای علمی فخر رازی در ذیل آیه «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا» (۴۰)، صورت گرفته است که وی ساکن بودن زمین را با توجه به این آیه اثبات کرده و به مناسبت به بررسی سیارات، زمین، ساکن بودن آن و حرکت خورشید و افلاک می‌پردازد. البته توجهات علمی فخر رازی بر خلاف طنطاوی که متوجه علوم بشری و اکتشافات علمی است، بر طبیعیات، فلکیات، هیئت و نجوم استوار بود. فخر رازی این نگرش را در ذیل آیات بسیاری از جمله آیه ۲۹ سوره بقره، آیه ۵۴ سوره اعراف نیز تعقیب می‌کند. (۴۱)

به هر روی رهیافت نخست را نمی‌توان به دلایلی چند، تفسیر علمی نامید:

۱- سبب اول آنست که روش استخراج یک روش درون آیاتی بوده و بر حاکم ساختن آراء علمی استوار نیست.

۲- رهیافت نخست از تقسیم بندی علوم به ظواهر و بواطن قرآن منشأ گرفته و غزالی و رازی وجه علمی آیات را انشعاب یافته از خود قرآن می‌دانند.

۳- حقیقت آنست که در این رهیافت، هیچ تفسیری بر آیات شکل نگرفته بلکه بیشتر

به مصداق یابی پرداخته که مسئله «سبع سموات» و تفسیر آن بر هفت فلک هیئت بطلموسی نمونه آشکار از این دعوی است.

۴- این گروه، به صراحت قرآن را کتابی علمی خواه ریاضی، یا فیزیک و غیره به شمار نمی آورند بلکه بر این باورند که خداوند در آیات خود جهت تبیین اسرار آفرینش نکات اساسی را به عنوان مبانی کلی طرح فرموده است.

۵- تمامی مفسران رهیافت نخست، کوشیدند تا اعجاز علمی قرآن را در کنار اعجاز ادبی و معنایی طرح کرده و مشروعیت مضاعف بر وحیانی بودن قرآن عرضه کنند. امروز از سر اشتباه رویکرد اعجاز علمی رهیافت اول را تفسیر علمی، نامگذاری می کنیم.

۲- رهیافت تطبیق، تحمیل تئوری ها

اکثر پژوهشگران حوزه تفسیر و تاریخ آن بر پیدائی تفسیر علمی در مفهوم صحیح آن در یکصد و پنجاه ساله اخیر ابتدا در مصر و سپس در ایران تأکید دارند. حقیقت آن است که عنوان عام تطبیق به زعم علامه طباطبائی بر تمام روشهای تفسیری غیر از تفسیر قرآن به قرآن صدق می کند (۴۲) اما خود علامه نیز می پذیرد که تفسیر علمی مربوط به دوره متأخر و پس از توجه مسلمانان به پیشرفتهای علمی مغرب زمین است. مرحوم مطهری در پاورقیهای روش رئالیسم همین نکته را ذکر کرده و دو عامل تعطیلی تفکر و عقل از جانب اهل حدیث و موفقیتهای متوالی روش حسی و تجربی در غرب را اسباب مهم توجه مفسران اسلامی در دوره جدید به تفسیر علمی می داند. مطهری در ضمن ارائه مثال از نویسندگان تفسیر علمی تماماً از محققان مصر همچون فرید وجدی، سید قطب و دیگران نام می برد (۴۳) البته مطهری از کتاب «راه طی شده» مرحوم بازرگان نیز نام می برد که وی راه خداشناسی را منحصر در راه حس و طبیعت می داند. (۴۴)

مطهری تحت تأثیر آراء علامه طباطبائی می نویسد مخالفت با تفکر و تعمق در عصر ما در مسائل ماوراء الطبیعی رنگ جدیدی به خود گرفته است: رنگ فلسفه حسی. مطهری گفتاری از سید ابوالحسن ندوی در کتاب «ماذا خسرالعالم بانحطاط المسلمین» در فصلی با عنوان «عبور مسلمانان از جاهلیت به اسلام» نقل می کند که ادله

مشتبه بر رهیافت جدید در تفسیر است. (۴۵)

به هر روی آراء متفکران اسلامی در انگیزه پیدایش تفسیر علمی متفاوت است اما در چند مسئله همگان اتفاق نظر دارند:

- ۱- تفسیر علمی در مفهوم جدید آن دیرینه ۱۵۰ ساله دارد.
- ۲- مصر و ایران دو کشور پایه گذار شکل‌گیری این رهیافت هستند که مفسران مصر تقدم زمانی دارند.
- ۳- تفسیر علمی رویکردی انفعالی و به سبب مقابله با هجوم پیروزمندانه اصالت حس و علم شکل گرفت.
- ۴- تفسیر علمی در مرحله اول به انگیزه سازگاری دین و علم، در مرحله دوم برای اثبات اعجاز علمی قرآن و در پایان برای زدودن شبهات علمی جدید پدیدار شد.
- ۵- سرانجام تفسیر علمی قرآن، غلبه آموزه‌های علمی بر آموزه‌های وحیانی شد که بی تردید این محصول ناخواسته اما ناگزیر این رهیافت بود.
- ۶- بسیاری از قرآن پژوهان حاضر تفسیر علمی را خروج از مقاصد آیات دانسته که سبب انحراف توجه مسلمانان به گوهر قرآن که همان هدایت است، خواهد شد.
- ۷- نگارنده، اصل تفسیر علمی قرآن با لحاظ اصالت آیات و بالعرض بودن علوم را دستاورد بیادین در مرحله‌ای از مراحل تفسیر دانسته که می‌تواند افق‌های نو و رهیافت جدیدی را در قلمرو تفسیر مؤدی شود. به نظر می‌رسد غیر از مرحوم طالقانی و مرحوم بازرگان در ایران، مفسر دیگری با هدف بررسی‌های علمی آیات، به این مهم دست نبرده و خود علامه طباطبائی بنحوی بسیار کم‌رنگ به آن مبادرت می‌ورزد.

الف) سرشت تفسیر علمی

همواره میان محققان در تعریف تفسیر علمی قرآن اختلاف وجود داشت. ذهبی می‌گوید منظور، از تفسیر علمی تفسیری است که اصطلاحات علمی را بر عبارات قرآن حاکم می‌کند و می‌کوشد تا دانشهای گوناگون و آراء فلسفی را از قرآن استخراج سازد. (۴۶)

ذهبی نه تنها تفاوتی میان حاکم ساختن یا تطبیق علوم بر آیات و استخراج، قائل نشده بلکه بین نظریات علوم و نظریات فلسفی نیز تمایز قائل نیست.

فخر رازی در تعریف، تبیین علمی نشانه‌های خداوند در خصوص آسمان، زمین، آفرینش انسان و نظایر آنرا جهت استدلال به اثبات واجب، ارائه می‌کند. (۴۷)

طنطاوی رویکردی دیگر را در تعریف تفسیر علمی عرضه می‌دارد. او بر این باور است که در تعریف باید فهم قرآن و پیوند آن با علم را ملحوظ داشت یعنی بررسی و تبیین علوم در ذیل آیات به معنای کشف مفاهیم علمی در قرآن بوده که دال بر ذکر دانش‌ها و نظریات علمی در آیات است. این امر بزعم وی مهمترین سند بر پیشتازی دین در حوزه علوم می‌باشد. (۴۸)

تفسیر علمی با ورود در اندیشه متفکران ایرانی ماهیت متفاوتی یافته و صرفاً بر استخراج آیات اعجازی منحصر نگردید. پیروان تفسیر علمی قرآن در ایران علاوه بر رازهای علمی قرآن به صورتبندی تئوریا در قلمرو کاملاً علمی همچون بهداشت، بانکداری، ربا، مالیات، بیمه، اصول علم پزشکی، فلسفه احکام اسلامی، تبیین اسباب، تحریم خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها، اصول علمی نجوم و فیزیک و نظایر آن پرداختند. مرحوم طالقانی در موضوع چگونگی پیدایش زمین و مرحوم بازرگان در مسئله باد و باران به ارائه نظریات مهمی اقدام ورزیدند که از شاخص‌ترین نمونه‌های تفسیر علمی قرآن است.

مرحوم طالقانی در ذیل آیه ۶ از سوره شمس و الاَرْضِ و ما طَحِيهَا می‌نویسد: زمین ابتدا بصورت پیوسته بود و سپس با نیرویی از منشاء اصلی جدا شد. این نیرو واجد قدرت دفعی است که موجب حرکت وضعی می‌شود. حرکت انتقالی زمین بواسطه قرار گرفتن زمین بین دو نیروی جذب و دفع شکل می‌گیرد. این امر سبب گسترش تدریجی جرم زمین شده که وضعیت متعادل کنونی را مؤدی شده است. (۴۹)

همچنانکه می‌بینیم سرشت تفسیر علمی حسب دوران، قلمرو و پیش دانسته‌ها تغییر می‌یابد بنحوی که حتی گاهی برخی واژه تفسیر علمی قرآن را پارادوکسیکال تلقی

کردند. (۵۰)

قول به تفکیک تفسیر علمی از تحمیل آرا و باور به سازگاری بخشیدن میان آیات قرآن و قطعیات علوم، ماهیتی دیگر را موجب شده است.

ب) احتجاجات

همچنانکه گذشت پیروان تفسیر علمی را نمی‌توان در یک گروه قرار داد و یا دیدگاه‌هایشان را همانند پنداشت. مراد نگارنده از تفسیر علمی همه صنوف و انواع آن بوده و در تبیین ادله و مستندات موافقت بر تفسیر علمی، گروه خاصی را مد نظر ندارد. شاید بتوانیم دلایل آنان را در چند مسئله سامان دهیم.

دلیل نخست آن است که قرآن جامع همه علوم، دانش‌ها و حکمت‌ها است. عدم توجه به تفسیر علمی قرآن موجب کاستی و رنجوری این کتاب و حیانی شده و با آیات ۵۹ انعام و ۸۹ نحل در تهافت خواهد بود. عدم درک علمی پیشینیان و مفسران گذشته از آیات قرآن به سبب محدودیت عقل بشری است با رشد و گسترش علوم، عقل توانایی کشف دانشها از آیات را یافت.

دیگر بیان آن است که اکتشافات جدید علمی خیره‌کننده و مقتضای نیاز بشر و شرایط نو است. تمدن اسلامی بر بنیاد دین و علم پایه‌گذاری شد. توجه مسلمین به علوم جدید آن روز در پرتو آیات قرآن و فهم علمی از آن آیات شکل گرفت. بدون مراجعه نو به آیات و بازسازی فهم و تفسیر قرآن، ممکن نبود مسلمین آن سه سده موفق به پیشتازی در تمدن‌سازی و تولید علم می‌شدند. این وضعیت علاوه بر واکاوی در خوانش و تفسیر آیات به شیوه نو که همان روش فلسفی و طبیعی و حتی سیاسی - اجتماعی بود، جرأت و جسارت اندیشمندان اسلامی را نیز می‌طلبید. تفسیر علمی هم نیازمند جسارت در اقدام و ورزیدن به روش جدید است و هم پشتوانه‌ای منطقی و فلسفی را محتاج است. بدون تفسیر علمی، نمی‌توان بر انحطاط مسلمین در فکر، اندیشه و تمدن فائق آمد و تمدن جدید را بنیان نهاد.

سومین احتجاج بر رهیافت اثبات حقانیت وحی تأکید می‌ورزد. این احتجاج خود

می تواند دو شکل متفاوت در تبیین را سبب شود. شکل نخست آن است که علوم جدید مطابق و ملائم با آیات مرتبط با علوم در قرآن است از اینرو می توان پشتوانه وحی در حیات عقلی و علمی بشر را استوار ساخت و همین امر سبب گرایش دیگران به اسلام و نیز تحکیم ایمان مسلمانان خواهد شد. شکل دیگر تبیین چنین است که اعجاز علمی قرآن اسلوب منحصر در فهم امروزی قرآن محسوب می شود. بودن این رویکرد به هیچ رو نه آیات به فهم امروزی بشر می آید و نه می توان بر روشهای پیشین که منسوخ و یا متزلزل شده اتکا جست.

آخرین احتجاج بر رهیافت «قرآن و دنیای معاصر» مبتنی است، دعوی حضور دین در حیات بشر، حل معضلات، ارائه الگوها در حیطه سیاست و اجتماع، طراحی مهندسی زندگی معنوی و دنیوی انسانها، راهبردهای اخلاقی، اجتماعی و علمی بدون کشف و تبیین احکام و دستورات مرتبط با وضعیت علمی و اجتماعی بشر امروز میسر نیست. این امر نه تنها توهم تعارض علم و دین را می زداید، عظمت و حقیقت وحی را مکشوف می سازد، بلکه بسترهای زندگی جدید مسلمانان را فراهم می آورد.

ج) نقدها

مخالفت با تفسیر علمی از سبب واحد و راهبردی بر خوردار نیست. و از طیف ظاهر گرایی و عدم تأویل و انحصار قرآن در قلمرو عبادی تا بدعت بودن این روش گسترده است. حسب رعایت ایجاز می کوشیم به اختصار سخن گوئیم.

رویکرد ظاهرگرایی تنها موجب تعطیلی عقل نشد، بلکه ترس از کاربست فکر و اندیشه دینی در تدبر آیات را نیز مؤدی گردید. هر روش جدید با دو مخالفت همراه بود: بدعت و تفسیر به رأی. نکته بسیار مهم آنست که حتی متفکرین بر جسته و مفسران پر اهمیت اسلامی نیز گاه متوجه دو مسئله فوق بودند. علامه جهت اقناع دیگران و البته بدرستی روش تفسیر قرآن به قرآن را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ارجاع می دهند تا پشتوانه ای به نام «قدمت» برای این شیوه فراهم نمایند، زوال رویکرد عقل ورزی (۵۱) معتزله در زمانی اندک علاوه بر جنبه افراط خرد ورزی ناشی از همین مسئله بود. این دغدغه نه لزوماً از

حیث سیاسی یا تقابلی ایدئولوژیک، بلکه بیشتر به جهت رهیافت مراقبت از متون قدسی و عدم وقوع تحریف در فهم و تفسیر منشأ می‌باید. به هر روی رویکرد ظاهرگرایی به هیچ وجه منحصر بر دوره‌ای خاص و گروهی اندک به نام اشاعره نبوده و معتقدم رهیافت مسلط حتی در دوران حاضر در تمدن اسلامی است. این رویکرد نمی‌تواند موافق تفسیر علمی قرآن باشد چه آنرا خروج از اصالت متن و ظاهر آیات و انحراف به جانب تأویل و تفسیر به رأی می‌داند.

انحصار آیات قرآن به حوزه عبادی و اخلاقی مسئله مهم دیگر است. حتی طنطاوی و بازرگان که شیفته توجهات علمی آیات قرآن هستند اما برای دفع اشکال نخست تصریح می‌کنند که قرآن کتاب علمی، فیزیک، ریاضی و هواشناسی نیست و برای تعلیم این علوم که در قلمرو عقل آدمی بوده، نازل نشده است. فلسفه نزول بی تردید، تئوریهای علمی نبود اما مبانی و نکات مهمی از علوم نیز در قرآن بیان شده که اصول مهمی را در علم و دانش امروز بشر پایه‌گذاری خواهد کرد. (۵۲)

رویکرد محدود سازی قائل به این نیست که قرآن برای حوزه‌های غیر از عبادت و شریعت، آموزه و مبانی ارائه کرده یا متعرض آن شده باشد. به همین سبب آیات جامعیت امور و علوم در آیات نحل و انعام را به تعبد و تکلیف (۵۳) تفسیر می‌کنند.

ترس از تغییرات در رویکردهای علمی و تزلزل آراء کلامی، فلسفی، طبیعی و خاصه علمی و نگرانی از رهیافت «تابع بودن قرآن» می‌تواند دلیل دیگری بر مخالفت با تفسیر علمی باشد. تابع شدن علاوه بر تزلزل در تفسیر حسب تغییرات علمی، تشکیک در ایمان به اعجاز قطعی و ازلی وابدی قرآن، نفوذ آراء باطل در آیات و تفسیر را به همراه داشته و حقانیت دین و وحی را تضعیف خواهد ساخت.

به علاوه تأویلات گوناگون با توجه به ظهور اندیشه‌های نو در ذیل آیات شکل گرفته و تمامی آیات دستخوش تغییرات انفعالی می‌گردند. لازمه چنین رهیافتی پیروی محض و بی چون و چرای قرآن و مفسران از تئوریهای علمی و به انتظار نشستن اثبات و ابطال آنها شده و حاکمیت علوم تغییرپذیر بشری بر دانش و حیانی راسبب می‌شود. (۵۴) به رغم

آنکه دغدغه اخیر، از تصلب دینی سرچشمه می‌گیرد و بر نگرهبانی از آیات حکایت‌گر است اما به زعم نگارنده توصیفی از وضعیت موجود و دنیای کنونی است که متأسفانه تولید علم و به تعبیر امروزی متفکران اسلامی جنبش نرم افزاری به سبب عدم مراجعه مطلوب به قرآن و دین باناکامیابی مواجه است.

نتیجه

به نظر می‌رسد مخالفت با تفسیر علمی قرآن برخلاف دوران پیشین از کامیابی چندانی برخوردار نبود. توجه مسلمانان، متفکران و مفسران دوره جدید به گشودن قلمرو گسترده‌تر در حوزه تفسیر، رهیافتهای دیگری همچون تفسیر اجتماعی، تفسیر ادبی (در مفهوم جدید)، تفسیر سیاسی (متفاوت از دوران پیشین) دست زده و به تدریج تفسیر فرهنگی در پایه گذاری حیطه فرهنگ و تمدن اسلامی در دوره جدید در حال شکل‌گیری است. ارائه الگوهای دینی برگرفته از قرآن در موضوع مناسبات فرهنگی، خانواده، نقش فرهنگ، پوشش اسلامی، زندگی دینی، علائق فرهنگی، اهمیت فرهنگ اسلامی و نظایر آن نشان از توجه نیرومند مسلمانان به تدوین رهیافت اسلامی در مقابل رهیافت غربی، زندگی بشر در دوره آینده دارد.

تفسیر علمی توانست به موفقیت‌های چشمگیری بدور از افراط‌ورزیها و خروج از معیار و ملاک‌های تفسیر از جانب برخی مفسران، دست یابد. اکنون چنان نیست که همه مفسران مخالف تفسیر علمی قرآن باشند. حتی علامه طباطبایی به رغم آنکه به نقد آن دست زده و نام تطبیق و نه تفسیر داده اما خود در موارد بسیاری از علوم در تفسیر آیات بهره می‌برد. علامه در موضوع آسمان و زمین و خلقت اشیاء از آب تمایل خود را به تفسیر علمی نشان می‌دهد.

«تفسیر علمی معتبر» چیست؟ هدف اصلی این نوشتار آن بود تا نشان دهد که تفسیرهایی همچون مفاتیح الغیب رازی، تفسیر نوین شریعتی، و حتی الجواهر فی تفسیر القرآن نمی‌تواند در زمره تفسیر علمی در مفهوم جدید آن قرار گیرد. این امر به معنای انکار توجهات رازی و طنطاوی و دیگران به علوم جدید نیست اما نوع بهره‌گیری از علوم

و حاکم ساختن برآیات، سبب شکل‌گیری رویکرد تحمیل یا تطبیق و نه تفسیر می‌شود. پرتویی از قرآن مرحوم طالقانی و آثار مرحوم بازرگان صرفاً گام نخست دست یازیدن به ابداع منهجی نو در دریافت و تفسیر از قرآن تلقی می‌شوند که متأسفانه دیگران نه تنها این روش را مورد اعتنا قرار ندادند (به جز اندکی از قرآن پژوهان در برخی آثار علوم قرآنی و نه تفسیری) بلکه سخت با آن مخالفت نمودند.

روش معتبر باید از چهار ویژگی اصالت رجوع به متن قرآن، توجه به علوم و دانشهای جدید، فهم اندراجی (افق متن و افق علم) و تدوین آموزه‌ها و رهیافت‌ها برخوردار باشد. میزان به نوعی اعتدال‌گرایی در تفسیر المنار تلقی می‌شود، امید است تفسیر علمی قرآن با عنوان «الحیات» که می‌تواند از لجنه‌ای برخوردار از متفکران اسلامی و با نظارت حوزه علمیه قم و دانشگاه تهران و دانشکده علوم قرآنی شکل‌گیرد، پدیدار شود.

پی نوشت

- ۱- محمد حسین طباطبایی، تفسیر میزان، دفتر انتشارات اسلامی، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، سال ۱۳۶۳، چاپ اول، جلد اول، ص ۹-۱۰.
- ۲- محمد مجتهد شبستری، هرمنوتیک، کتاب و سنت، طرح نو، تهران، ص ۱۰۱-۹۹.
- ۳- تفسیر میزان، پیشین، صص ۱۱-۱۰.
- ۴- جوهری طنطاوی، الجواهر فی تفسیر القرآن، دار الفکر، بی تا، مقدمه تفسیر ص ۱۰ به بعد.
- ۵- انعام / ۳۸.
- ۶- انعام / ۵۹.
- ۷- نحل / ۸۹.
- ۸- شعرا / ۸۰.
- ۹- محمد هادی معرفت، التفسیر و المفسرون، الجامعة الرضویة للعلوم الاسلامیة، ۱۳۷۷، الجزء الثاني، ص ۴۴۲.
- ۱۰- رک: محمد علی رضائی اصفهانی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، انتشارات اسوه، ۱۳۷۵، ص ۱۰۵.
- ۱۱- ابو حامد غزالی، جواهر القرآن، چاپ المركز العربی للکتاب، دمشق - بیروت، بی تا، فصل پنجم، ص ۲۵.
- ۱۲- التفسیر و المفسرون، پیشین، صص ۴۹۹-۴۴۳.

- ۱۳- رکت: طبایع الاستبداد و مضارع الاستعداد، کواکبی، صص ۴۶-۴۰.
- ۱۴- رکت: تفسیر و تفاسیر جدید، بهاء الدین خرمشاهی، انتشارات کیهان، ۱۳۴۶، ص ۵۹.
- ۱۵- درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، پیشین، صص ۳۰۸-۳۰۹.
- ۱۶- الجواهر فی تفسیر القرآن، پیشین، ج ۱، صص ۷-۱۵، ۸۹-۸۰.
- ۱۷- رکت: مهدی بازرگان، باد و باران در قرآن، به اهتمام سید محمد مهدی جعفری، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۳، ص ۹۱.
- ۱۸- سید قطب، تفسیر فی ظلال القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۶۷، ج ۱، ص ۲۶۰.
- ۱۹- محمد رشید رضا، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر به تفسیر المنار، دار المعرفه، بیروت، الطبعة الثانية، بی تا، ج ۱، مقدمه تفسیر و ص ۷ به بعد.
- ۲۰- المیزان، پیشین، ج ۱، مقدمه.
- ۲۱- محمد حسین الدهمی، التفسیر و المفسرون، دارالکتب الحدیثه، الطبعة الثانية، بی جا، ۱۳۹۶ق. ج ۲، ص ۴۷۵.
- ۲۲- مجادله / ۱۱، زمر / ۹.
- ۲۳- نحل / ۷۸.
- ۲۴- ق / ۶، آل عمران / ۱۹۱.
- ۲۵- حافه / ۴ و ۱۷، بقره / ۲۹، فاطر / ۴۱، الرحمن / ۵، مؤمنون / ۸۶، فصلت / ۱۲-۱۰.
- ۲۶- بقره / ۲۲، فصلت / ۱۰-۹، حجر / ۱۹، زخرف / ۱۰.
- ۲۷- حجر / ۳۳-۲۶، بقره / ۳۰ به بعد، آل عمران / ۲، صافات / ۱۱، اعراف / ۱۸۹.
- ۲۸- بقره / ۲۴۳، حجر / ۲۲، نحل / ۶۸، انبیاء / ۳۰، تکوین / ۲-۱.
- ۲۹- غافر / ۱۵، انبیاء / ۴۷.
- ۳۰- طه / ۵، صافات / ۶، غافر / ۱۵، آل عمران / ۱۹.
- ۳۱- یس / ۳۸، الرحمن / ۵.
- ۳۲- مرسلات / ۳۱-۳۰.
- ۳۳- بقره / ۲۲ و ۲۹، آل عمران / ۱۹۰، رعد / ۴۱.
- ۳۴- شعراء / ۸۰، نحل / ۸.
- ۳۵- رکت: مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، نوشته موریس بوکای، برگردان ذبیح الله دبیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۵، صص ۵۷-۳۵.

- ۳۶- رکن: سید علی اکبر صداقت، قرآن و دیگران، نشر روح، قم، بی تا، صص ۴۵-۱۴.
- ۳۷- رکن: الملل والنحل، شهرستانی ج ۱ ص ۶۴؛ الفصل فی الملل و الاهواء والنحل؛ ابن حزم، ج ۳، المغنی فی ابواب التوحید و العدل، قاضی عبدالجبار معتزلی، ج ۱۵، ص ۹۹.
- ۳۸- رکن: اعجاز القرآن، باقلانی، ج ۱، صص ۵۳-۴۳.
- ۳۹- محمد رشید رضا، تفسیر القرآن الکریم الشهیر، تفسیر المنار، دارالمعرفة بیروت، الطبعة الثانية، ج ۱، مقدمه تفسیر، صص ۷ به بعد.
- ۴۰- سورة بقره، آیه ۲۲
- ۴۱- فخر الدین رازی، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۱ق.
- ۴۲- المیزان، پیشین، ج ۱، مقدمه تفسیر.
- ۴۳- محمد حسین طباطبائی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، با مقدمه و باور فی مرتضی مطهری، دفتر انتشارت اسلامی، بی تا، ج ۵، صص ۲۱-۱۸.
- ۴۴- همان، ص ۲۱.
- ۴۵- همان، صص ۱۹-۱۸.
- ۴۶- التفسیر والمفسرون، الذهبی، پیشین، ج ۲، ص ۴۷۴
- ۴۷- مفاتیح الغیب، پیشین، ج ۱۴، ص ۷۹.
- ۴۸- الجواهر فی تفسیر القرآن، پیشین، ج ۱، مقدمه تفسیر.
- ۴۹- محمود طالقانی، پرتویی از قرآن، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۸، ج ۲، ص ۱۱۰.
- ۵۰- التفسیر والمفسرون، پیشین، ج ۲، صص ۹۳-۴۹۰.
- ۵۱- المیزان، پیشین، ص ۷.
- ۵۲- باد و باران، بازرگان، پیشین، ص ۹۱.
- ۵۳- ابو اسحاق الشاطبی، الموافقات فی اصول الاحکام، بی تا، طبع مصطفی محمد، صص ۴۸۶ به بعد.
- ۵۴- التفسیر والمفسرون، ج ۲، صص ۹۵-۴۹۰.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی